

آنگلا مرکل

استفن کورنلیوس

هایده وهابزاده

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

فهرست

۵.....	مقدمه
۷.....	قدرت جدید صدراعظم.....
۷.....	تب آنگلا مرکل.....
۱۹.....	دنیایی جدید.....
۱۹.....	یک زندگی محدود در آلمان شرقی.....
۵۹.....	در جستجوی افق‌های تازه.....
۵۹.....	ورود به عالم سیاست.....
۷۵.....	زیربنای فکری مرکل.....
۷۵.....	مرکل از چه می‌رنجد؟.....
۱۰۵.....	شهرهای خیر.....
۱۰۵.....	صدراعظم و ائتلاف‌های او.....
۱۲۷.....	روبای پاسیفیک.....
۱۲۷.....	گرایش به آمریکا.....
۱۶۳.....	در موضع دفاعی.....

- ۱۶۳ انگلا مرکل و مسئله‌ی جنگ
- ۱۸۵ روسیه و پوتین
- ۱۸۵ یک کشور بسیار دوست‌داشتنی،
- ۱۸۵ یک رییس‌جمهور خشن
- ۱۹۵ ایده‌آلیسم یا واقعیت
- ۱۹۵ تضاد با چین
- ۲۰۵ بحران عظیم
- ۲۰۵ انگلا مرکل برای اروپا می‌جنگد
- ۲۶۷ بریتانیا
- ۲۶۷ آیا باید آنها را در اتحادیه نگه داشت؟
- ۲۸۱ آینده‌ی مرکل
- ۲۸۱ صدراعظمی فراتر از سیاست

فصل اول

قدرت جدید صدراعظم

تب آنگلا مرکل

امروز آنگلا مرکل، بعد از هشت سال صدارت، بار دیگر در اوج قدرت و محبوبیت خود قرار دارد. او پس از دو دوره پی در پی، همچنان زمام بزرگترین، قدرتمندترین و ثروتمندترین اقتصاد اروپا را در دستان خود دارد. رهبری بلامنازع در حزب خویش است و وزرائی وفادار و حلقه به گوش در کنار دارد. دومین حزب مطرح کشور با او از در ائتلاف درآمده، بگونه‌ای که از کاستی‌های گذشته او چشم پوشیده‌اند.

عزت و احترام فزاینده‌اش در جامعه، حاصل رفتار بزرگوارانه‌ی او با مخالفین است. کمتر زمامداری از چنین تأیید و حمایتی مردمی برخوردار است. از لحاظ اقتصادی با مشکل عمده‌ای روبرو نیست و نسبت به همسایگانش شرایط بدی ندارد.

آنگلا مرکل به موقعیتی در سطح جهانی دست یافته است. او از محدود

رهبران جهان است که چندین دوره، در مسند قدرت باقی مانده است. بجز نخست وزیر لوکزامبورگ که از قدیمی‌ترین رهبران اروپاست، و یک سال زودتر از مرکل، به قدرت رسیده است و همچنین رییس کمیسیون اروپا که یک سال زودتر از او و به کمک او، به قدرت رسیده است. مرکل با رییس جمهور آمریکا، در تعامل است و همکاری‌اش با رییس‌جمهور روسیه، بی‌شبهت به حرکت خرگوش و لاک‌پشت نیست. برخی امور به سرعت و برخی امور به کندی پیش می‌روند. تا به حال شاهد یک تغییر در رهبری چین بوده، دوست دارد رهبر جدید را با همتای قبلی، مقایسه کند.

در فرایند صلح خاورمیانه نقش دارد. یک حس توجه و علاقه که گاهی با احساسات شخصی‌اش در می‌آمیزد، به منطقه‌ی خاورمیانه دارد. بخشی از این احساس به تاریخ گذشته آلمان برمی‌گردد و بخشی دیگر به احوال شخصی خود او اما هرگز اجازه‌ی دخالت و بروز احساساتش را در این امور نمی‌دهد. گاهی، شدت و سرعت حوادث در منطقه، او را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و با وسواس و دقت نظر، روند امور را در خاورمیانه رصد می‌کند. این جوامع بحرانی و آشوب‌زده که در طلب آزادی‌اند از طرف صاحبان قدرت سرکوب می‌شوند. مرکل داستانی از آزادی برای گفتن دارد، اما چون تمایلی به ابراز احساساتش ندارد، به ندرت داستان خود را تعریف می‌کند. از نگاه او آزادی امری است بسیار شخصی.

آرزو برای نفوذ به محدودیت‌های فردی، کشف سرزمین‌های جدید، رسیدن به درک و اوج یک مفهوم، تمام این توصیفات زیبا از عطش یک‌زن برای رسیدن به آزادی حکایت‌دارند. زنی که، باید تمام آرزوها و جاه‌طلبی‌هایش را به مدت سی و پنج سال سرکوب می‌کرد، امروز هنوز تشنه است و سیراب نشده. گفته می‌شود که در زمینه‌های متفاوت به قله‌ی آرزوهایش رسیده است.

اما به پیشرفت خطی معتقد نیست و سیاست را یک بازی بدون برنده و بازنده می‌داند. یک بازی با انبوهی از عوامل مثبت و منفی، کشمکش دائمی، مانند طنابی که از دو طرف کشیده می‌شود. طرفین پیوسته در حال بُرد و باخت هستند و البته هیچ برنده نهایی وجود ندارد. از همین جاست که مشکل شروع می‌شود: شکست و پیروزی در سیاست با ثبات در یک ائتلاف‌سنجیده نمی‌شود؛ همچنین به شمار رأی دهندگان موافق هم مربوط نیست. تعداد ملاقات‌های بین‌المللی نیز تعیین‌کننده نیستند. هیچ‌کدام پارامتر درستی نیستند. «هارولد مک‌میلان» در جواب خبرنگاری که عامل سقوط یک دولت را می‌پرسید، پاسخ داد «حوادث، حوادث دوست من» پارامتر درست موفقیت‌سیاسی، نحوه‌ی برخورد با حوادثند دوست من».

آنگلا مرکل، بار تاریخی یک اقتصاد را بر دوش دارد. همین عامل، به تنهایی می‌تواند موجب شکست یا پیروزی او در مقام صدارت گردد.

او به دنبال بحران‌ها نمی‌گردد، بحران‌ها به دنبال او می‌آیند. اولین بحران، به شکل بحران بانک‌ها جلوه‌گر شد. ادامه این بحران، بحران اقتصاد جهانی بود و سپس بحران یورو پدیدار شد. بحران‌ها مشکلات دیگری به همراه داشتند، مشکلاتی با خسارت‌هایی نامحدود: بحران وام‌ها، از جمله بحران‌هایی است که با رشد و رقابت همراهند و در نهایت به سقوط یورو منجر شد که پیامدهای احتمالی بسیار خطرناکی در پی داشت. فشار روی بانک‌ها؛ تورم؛ واگذاری نهادهای اقتصادی؛ افت صادرات؛ بیکاری شدید؛ تنش‌های اجتماعی؛ روی کار آمدن احزاب رادیکال (فروپاشی سیاست در اروپا، وقتی به این سناریو به دقت توجه کنیم باید به خاطر آنها، قدردان و شاکر باشیم. آنگلا مرکل مجبور به دست و پنجه نرم کردن با این مشکلات بود. چون باید تأثیر مخرب بحران‌ها را کاهش